

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

دانشجوی گرامی

برای شرکت در قرعه کشی، فقط سریال هولوگرام روی جلد کتاب را به
شماره «۳۰۰۸۵۸۵» پیامک فرمایید.
جوایز قرعه کشی شامل کمک هزینه عمره، عتبات و... می باشد. برای
دریافت جایزه ارائه کتاب با مهر فروشنده الزامی است.

سرشناسه:	حسینی فر، رضا، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآورنده:	امام خمینی (علیه السلام) و بیداری اسلامی (ویراست دوم) / رضا حسینی فر؛ تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی.
مشخصات نشر:	قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:	۲۹۶ ص.
فروست:	مجموعه انقلاب اسلامی، ۵۶
شابک:	978-964-531-460-4
وضعیت فهرست نویسی:	فبا
موضوع:	خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹، نظریه های سیاسی و اجتماعی اسلام - تجدید حیات فکری
شناسه افزوده:	نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف
شناسه افزوده:	دانشگاه معارف اسلامی، معاونت پژوهشی
رده بندی کنگره:	۱۲۰۱ / ۵۱۸ - ۲۲۹ BP
رده بندی دیویی:	۳۹۷/۴۸
شماره کتاب شناسی ملی:	۳۰۹۷۳۲۹

استاد محترم و دانشجوی عزیز

خواهشمند است با ارائه نظرات خود ما را در رفع نواقص و ارتقای کتاب یاری بخشید.

شماره تلفکس واحد ارزیابی علمی: ۳۷۷۴۹۹۱۹ - ۰۲۵

صندوق پستی: ۶۱۷۳ - ۳۷۱۵۵

پست الکترونیکی: arzyabi@maaref.ac.ir

امام خمینی قدس سره و بیداری اسلامی

(ویراست دوم)

www.ketab.ir

حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا حسینی فر

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز



مجموعه انقلاب اسلامی

۵۶

ادام خمیني رهبر و بيداری اسلامی

(ویراست دوم)

نماینده: سید حسینی فر

تدوین: نهاد نمایندگی مقام معلم رهبری در دانشگاهها

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی

بازبین و کنترل نهایی: سید سعید رحمانی

صفحه آرا: صالح زارع

ناشر: دفتر نشر معارف

چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۲ / ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۳۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۳۱ - ۴۶۰ - ۴

کلیه حقوق محفوظ است

مراکز پخش:

مدیریت پخش دفتر نشر معارف: قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر ۳۷۷۴۰۰۰۴
فروشگاه شماره یک (پاتوق کتاب): قم، خیابان شهدا، روبه روی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن ۳۷۷۳۵۴۵۱
فروشگاه شماره دو (پاتوق کتاب): تهران، خیابان انقلاب، چهار راه کالج، پلاک ۷۱۵،
تلفن ۸۸۹۱۱۲۱۲، نمابر ۸۸۸۰۹۳۸۶

فروشگاه شماره سه (فرهنگ و اندیشه): قم، ابتدای بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی،
نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، تلفن: ۳۲۹۰۴۰۴۴

نشانی الکترونیکی: E-mail: info@ketabroom.ir، پایگاه اینترنتی: www.ketabroom.ir

سخن آغازین

کاوش در ابعاد شخصیتی و اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خمینی ره برای همه به‌ویژه نسل جوان و دانشجویان ضرورتی انکارناپذیر است. بایستگی این امر از آن‌رو است که شخصیت امام ره برخوردار از جامعیت شگفت‌انگیز می‌باشد که ناشی از ابعاد علوم اسلامی و گستره معارف اسلامی است. امام خمینی در قرن بیستم - که گفتمان غالب اندیشه مدرنیته بود و اندیشه دینی در آن جایگاهی نداشت - با تکیه بر اسلام ناب، کوشید تا با تصرف در جوهره مدرنیته آن را به نفع دین و ارزش‌های اسلامی مصادره و تأویل نماید. براساس همین کامیابی در جمع میان مدرنیته و ارزش‌های اسلامی بود که وی پس از بازسازی شخصیتی و سیر در انفس بنا بر راهبردهای حکمت متعالیه به سیر در آفاق روی آورد. باز دهه چهل کوشید جامعه را نیز بسان شخصیت خود بر تراز اندیشه ناب اسلامی تغییر دهد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی با احیای دین و معنویت، امید تازه‌ای در دل ملت‌ها و نهضت‌های اسلامی دمید که بیداری اسلامی را در پی داشت و بر پایه این بیداری، انقلاب شکوهمند اسلامی به پیروزی رسید و نقطه آغازی شد بر مقابله ملت‌های مستضعف در مقابل قدرت‌های استکباری.

البته در مطالعه اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی بایست متدلوژی مناسبی را به‌کار گرفت تا رهیافت روش‌شناختی فارغ از تفسیر به‌رأی و تأویل، ما را به اندیشه تابناک حضرتش رهنمون سازد. اثر پیش‌رو گامی است در این جهت، اثری که از سوی محقق محترم حجت‌الاسلام دکتر رضا حسینی‌فر تنظیم شده است. گروه انقلاب اسلامی ضمن سپاس فراوان

از نویسنده محترم، از ارزیابان ارجمند آقایان حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد نوروزی، حجت‌الاسلام دکتر منصور میراحمدی و دکتر یحیی فوزی و همچنین از همه همکاران معاونت پژوهشی دانشگاه که در مراحل مختلف تدوین این کتاب ما را یاری رساندند، سپاسگزاری می‌نماید.

امید است اساتید و دانشجویان محترم با ارسال پیشنهادهای و انتقادهای خود به نشانی الکترونیکی iroi@maaref.ac.ir ما را در ارتقا و رشد علمی آثار انتشار یافته این معاونت یاری رسانند.

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۳	 مقدمه
۱۵	 بشریت در نیمه‌های قرن بیستم
۱۶	 ظهور مصلحی بزرگ
۲۱	 در اندیشه او چه می‌گذشت

فصل اول: زندگی‌نامه علمی - سیاسی امام خمینی علیه السلام

(۹۴ - ۲۵)

۲۷	 گفتار اول: از تولد تا مرجعیت
۲۷	 دوران کودکی و نوجوانی
۲۹	 دوران تحصیل در اراک و قم
۳۵	 گفتار دوم: از مرجعیت تا تبعید
۳۵	 زمینه‌ها و نشانه‌های انقلاب
۴۲	 قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲
۴۹	 گفتار سوم: دوران تبعید
۵۰	 ایران در آستانه انقلابی بزرگ
۵۱	 شهادت فرزند امام خمینی
۵۲	 دو اشتباه فاحش دستگاه حاکم
۵۲	 ۱. توهین به امام خمینی
۵۴	 ۲. ایجاد محدودیت‌های جدید برای امام
۵۷	 هجرت از عراق
۶۳	 ایران در چند ماهه پیش از پیروزی انقلاب

۶۵.....	گفتار چهارم: دوران رهبری.....
۶۵.....	پیروزی انقلاب اسلامی.....
۶۶.....	سال‌های حادثه.....
۶۶.....	۱. کودتا.....
۶۷.....	۲. تجزیه ایران.....
۶۸.....	۳. ترور.....
۷۱.....	۴. حمله طبس و آغاز جنگ تحمیلی.....
۷۵.....	امام خمینی و عبور از سال‌های حادثه.....
۸۲.....	توطئه رویارویی جهانی با انقلاب اسلامی.....
۸۵.....	مهم‌ترین اقدامات امام پس از پایان جنگ.....
۸۵.....	۱. فتوای امام خمینی درباره کتاب «آیات شیطانی».....
۸۷.....	۲. نامه تاریخی امام خمینی به گورباچف.....
۸۸.....	۳. ارائه اصول کلی دوران سازندگی.....
۸۹.....	۴. بررسی و تدوین طرح اصلاح قانون اساسی.....
۸۹.....	۵. نهضت جهانی اسلام.....
۹۱.....	گفتار پنجم: عروج امام خمینی ره
۹۳.....	محورهای پژوهش دانشجویی.....

فصل دوم: دین و سیاست از نگاه امام خمینی ره

(۹۵ - ۱۲۰)

۹۷.....	مقدمه.....
۹۹.....	گفتار اول: رابطه دین و سیاست.....
۹۹.....	تعریف دین.....
۱۰۱.....	تعریف سیاست.....
۱۰۲.....	پیوند دین و سیاست.....
۱۰۷.....	جامعیت دین.....
۱۰۷.....	۱. آیات قرآن.....
۱۰۸.....	۲. روایات.....
۱۰۸.....	۳. سیره پیامبر اکرم و امامان معصوم.....
۱۱۰.....	دامنه تأثیرگذاری دین در زندگی انسان.....
۱۱۰.....	۱. عهده‌دار رهنمودهای کلی.....
۱۱۰.....	۲. عهده‌دار رهنمودهای کلی و پاره‌ای از جزئیات.....
۱۱۱.....	۳. عهده‌دار بیان کلیات و جزئیات.....

۱۱۳	گفتار دوم: اندیشه جدایی دین از سیاست.....
۱۱۴	۱. جریان روشنفکران وابسته به غرب.....
۱۱۵	۲. استعمارگران.....
۱۱۶	۳. دین‌داران متحجر و مقدس‌مآب.....
۱۱۹	۴. حکومت‌های مستبد و غیرمردمی.....
۱۲۰	محورهای پژوهش دانشجویی.....

فصل سوم: امام خمینی ره و حکومت اسلامی

(۱۸۰ - ۱۲۱)

۱۲۳	مقدمه.....
۱۲۵	گفتار اول: حکومت و مشروعیت.....
۱۲۵	مقدمه.....
۱۲۵	مشروعیت حکومت.....
۱۲۶	منشأ مشروعیت.....
۱۲۹	منشأ مشروعیت حکومت از نگاه امام خمینی ره
۱۳۱	مشروعیت الهی و خواست مردم.....
۱۳۴	مشروعیت حاکم اسلامی از نگاه اندیشمندان مسلمان.....
۱۳۹	گفتار دوم: نظریه ولایت فقیه.....
۱۳۹	مقدمه.....
۱۳۹	مفهوم ولایت فقیه.....
۱۴۱	پیشینه ولایت فقیه.....
۱۴۲	دوره نخست: از شیخ مفید تا شیخ طوسی.....
۱۴۳	دوره دوم: پس از وفات شیخ طوسی تا ابن‌ادریس.....
۱۴۳	دوره سوم: از ابن‌ادریس تا محقق ثانی.....
۱۴۳	دوره چهارم: از محقق ثانی تا محقق نراقی.....
۱۴۳	دوره پنجم: از محقق نراقی تا امام خمینی ره
۱۴۴	دوره ششم: عصر امام خمینی ره
۱۴۵	ادله ولایت فقیه.....
۱۴۵	استدلال عقلی امام خمینی.....
۱۴۵	۱. قوانین اسلام، تضمین‌کننده سعادت فردی و اجتماعی انسان‌ها.....
۱۴۶	۲. وضع قوانین، بدون وجود مجربانی توانا، کاری لغو و بی‌ثمر.....
۱۴۶	۳. وظایف و مناصب پیامبر اکرم ص و امامان معصوم ع
۱۴۸	۴. تکلیف منصب ولایت در زمان غیبت امام عصر.....

۱۵۱.....	نتیجه.....
۱۵۲.....	استدلال نقلی امام خمینی.....
۱۵۲.....	۱. روایت شیخ صدوق.....
۱۵۳.....	۲. روایت علی بن ابی حمزه.....
۱۵۳.....	۳. توقیع امام زمان.....
۱۵۴.....	۴. روایت عمر بن حنظله.....
۱۵۵.....	گستره اختیارات ولی فقیه.....
۱۵۶.....	ولایت مطلقه فقیه.....
۱۵۸.....	احکام اولیه، احکام ثانویه و حکم حکومتی.....
۱۶۲.....	حد و مرزهای ولایت مطلقه.....
۱۶۲.....	۱. خودکامگی و تصرفات خودسرانه.....
۱۶۲.....	۲. دخالت در امور شخصی.....
۱۶۳.....	۳. قانون‌گریزی.....
۱۶۳.....	شرایط حاکم اسلامی.....
۱۶۳.....	۱. فقاہت.....
۱۶۵.....	۲. عدالت.....
۱۶۶.....	۳. سایر صفات لازم.....
۱۶۹.....	گفتار سوم: منشور دولت اسلامی از نگاه امام خمینی.....
۱۶۹.....	مسئولیت، آزمون و امانتی الهی.....
۱۷۰.....	حفظ اصول و ارزش‌ها.....
۱۷۲.....	برقراری عدالت اجتماعی.....
۱۷۴.....	مردم‌باوری و مردم‌داری.....
۱۷۶.....	خودباوری و تلاش در جهت خودکفایی.....
۱۷۸.....	تلاش در جهت صدور انقلاب.....
۱۷۹.....	محورهای پژوهش دانشجویی.....

فصل چهارم: امام خمینی رحمته الله علیه و انقلاب اسلامی

(۲۳۸ - ۱۸۱)

۱۸۳.....	مقدمه.....
۱۸۵.....	گفتار اول: مفهوم و ویژگی انقلاب.....
۱۸۵.....	تعریف انقلاب.....
۱۸۷.....	انقلاب؛ آری یا خیر.....
۱۸۸.....	

گفتار دوم: آشنایی با فضای سیاسی ایران در دهه ۴۰ و ۵۰.....	۱۹۱
سه جریان اصلی جبهه مخالف شاه.....	۱۹۱
۱. ملی گرایان.....	۱۹۱
۲. جریان چپ (سوسیالیست ها).....	۱۹۵
۳. نیروهای مذهبی.....	۱۹۷
گفتار سوم: شکل گیری انقلاب اسلامی.....	۲۰۱
شیوه مبارزاتی جریان های مخالف.....	۲۰۱
چرا انقلاب، نه اصلاحات.....	۲۰۲
گفتار چهارم: ارکان و ویژگی های انقلاب اسلامی.....	۲۰۵
الف) ایدئولوژی.....	۲۰۵
۱. نقد وضعیت موجود.....	۲۰۷
یک. فساد، استگله حاکم.....	۲۰۷
دو. استبدادی بودن نظام.....	۲۱۲
سه. وابستگی به داندگان.....	۲۱۴
چهار. اندیشه های غیر دینی و تلاش در جهت دین زدایی.....	۲۱۵
پنج. مشکل مشترک نظام های مطلقه.....	۲۱۶
۲. تبیین جامعه آرمانی.....	۲۱۷
۳. شیوه دستیابی به نظام آرمانی.....	۲۲۰
ب) سازمان.....	۲۲۱
ج) رهبری.....	۲۲۳
چگونگی پذیرش رهبری امام خمینی.....	۲۲۴
مراحل رویارویی امام با رژیم.....	۲۲۵
مهم ترین ویژگی های رهبری امام خمینی.....	۲۲۵
۱. باور عمیق به مردم.....	۲۲۶
۲. همدلی و همراهی با مردم.....	۲۲۸
۳. ثبات قدم.....	۲۳۳
۴. آرامش روحی.....	۲۳۴
۵. اعتقاد به وحدت اما با حفظ اصول.....	۲۳۵
۶. پایبندی به اصول اخلاقی و دینی.....	۲۳۶
محورهای پژوهش دانشجویی.....	۲۳۸

۲۴۳	گفتار اول: جغرافیای انقلاب‌ها و انقلاب اسلامی ایران
۲۴۷	گفتار دوم: مکتب‌گرایی و ملی‌گرایی
۲۴۷	تعریف ملی‌گرایی
۲۴۹	مروری بر سیر تاریخی ملی‌گرایی و پیامدهای آن
۲۴۹	۱. ملی‌گرایی در صدر اسلام
۲۵۰	۲. ملی‌گرایی در کشورهای اسلامی در دوران معاصر
۲۵۳	پیامد ملی‌گرایی در کشورهای اسلامی
۲۵۴	اسلام‌گرایی در برابر ملی‌گرایی
۲۵۹	گفتار سوم: صدور انقلاب
۲۵۹	دلایل صدور انقلاب
۲۶۲	شیوه‌های صدور انقلاب
۲۶۳	۱. تبلیغ اسلام را بین
۲۶۴	۲. اجرای صحیح برنامه‌های اسلامی و ارائه الگوی مناسب
۲۶۵	۳. تلاش در جهت هماهنگی کردن دولت‌ها با ملت‌ها
۲۶۶	۴. آشنایی دولت‌ها و ملت‌ها با نقشه‌ها، شرم اس‌عمار و دعوت آنها به عزت و اقتدار
۲۶۷	گفتار چهارم: بازتاب‌های بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران
۲۶۸	۱. به چالش کشاندن نظریه‌های مربوط به انقلاب و دولت
۲۶۹	۲. ایجاد و تشدید جریان‌های اصول‌گرایی در سراسر جهان
۲۷۲	۳. به هم زدن معادلات دو ابرقدرت شرق و غرب
۲۷۳	یک. تأثیرات انقلاب اسلامی بر ابرقدرت شرق
۲۷۵	دو. تأثیرات انقلاب اسلامی بر ابرقدرت غرب
۲۷۸	۴. نشانه‌های ظهور ابرقدرتی جهانی
۲۷۹	انتظاری پویا
۲۸۱	محورهای پژوهش دانشجویی

بشریت در نیمه‌های قرن بیستم

قرن بیستم از نیمه گذشته بود. بشریت اگرچه بر بلندای تمدن و رفاه مادی، به افتخارات به‌دست آمده می‌اندیشید، همواره در جان خویش خلأیی سنگین و شکننده را احساس می‌کرد. او تشنه بود، تشنه‌تر از همیشه؛ گویی تمام این پیشرفت‌ها نتوانسته بود عطش او را فرونشاند. انسان عصر فناوری و اطلاعات، خود را وارث خطای بزرگی می‌دانست که پیشینیان او در سده‌های گذشته، یعنی پس از رنسانس، بدل مبتلا شدند. آنان خسته از علم‌گریزی و بیداد کلیسای آن زمان، به خطایی بس بزرگ گرفتار آمدند و با شعار عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی، با معنویت درافتادند و به گمان خود، خدا را از صحنه زندگی بشری خارج ساختند! بدین‌سان «انسان‌محوری» در برابر «خداگرایی» قرار گرفت و روزبه‌روز به سادگی بدین تنگ‌تر شد و به همان نسبت دین‌داران نیز در انزوای بیشتری قرار گرفتند.

سایه سنگین این نگاه، همه عرصه‌های زندگی انسانی را تیره کرد و در این بین، مسائل اجتماعی و سیاسی هم بی‌نصیب نماند. حذف دین و معنویت از صحنه فرهنگ، اقتصاد و سیاست کشورهای پیشرفته - همان‌ها که مهد تمدن جدید به‌شمار می‌آمدند - و نیز کشورهای جهان سوم، پیامدهای ناگوار فراوانی برای این کشورها داشت که پرداختن به آنها مجال دیگری می‌طلبد.

در تمدن جدید، ارتباطات جهانی کشورها نیز تعریف خاصی یافته بود: جهان به دو قطب سرمایه‌داری غرب و کمونیسم شرق تقسیم شده بود و هر کشوری ناگزیر باید در مغناطیس یکی از این دو قطب، راهی برای ادامه حیات می‌یافت. نقطه اشتراک این دو، با وجود همه اختلافاتی که داشتند، مادی‌گرایی و اعتقاد به انزوای دین از عرصه سیاست و اجتماع بود.

طبیعی است که در این فضا همه چیز، حتی تئوری‌های علمی نیز رنگ‌وبوی مادی می‌گرفت و به همین دلیل اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی، پایان عمر دین و حکومت‌های دینی را اعلام کرده بودند.

اما تمدن بی‌معنویت و خدا، روح تشنه بشری را سیراب نمی‌کرد و خاطر او را آسوده نمی‌ساخت. تمدن جدید به آدمی وعده بهشت این‌جهانی را داده بود؛ اما قرن بیستم هم از نیمه گذشته بود و آنچه حاصل آمده بود، با همه پیشرفت‌های مادی، جهانی سراسر ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض بود؛ و این، برای انسان‌های بسیاری، بیشتر به جهنمی هولناک شبیه بود تا بهشت برین.

اما چه باید کرد؟ از میان دو قطب نیرومندی که در یکی سرمایه، خدایی می‌کرد و در دیگری اقتدار دولت، چگونه می‌توان رهایی از اسارت ماده و مادی‌گرایی را آزمود؟

ظهور مصلحی بزرگ

در جهانی که غرق مادیت و گمراهی بود، ردی از تبار امامان معصوم، از قم به‌پا خاست. نامش روح الله بود و زاده خمین. در آن زمان که دین را افیون جامعه می‌دانستند و نشانی از واپس‌گرایی، در زمانه‌ای که دوره حکومت‌های دینی را تمام شده می‌انگاشتند، امام خمینی در میان هیاهوی نظام‌های سرمایه‌داری و کمونیستی، در همسایگی سرروی و در جزیره ثبات آمریکا، با اعتقاد عمیق به اسلام، نهضتی بزرگ به‌راه انداخت. این قیام نه بر ضد شاه ایران - که او بسیار کوچک‌تر از آن بود که هدف نهایی این مبارزه باشد - بلکه قیامی علیه استعمار و استبداد در سرتاسر عالم بود. این قیام، مرز و جغرافیا نمی‌شناخت؛ او خود را شریک غم همه مظلومان عالم می‌دانست.^۱

رهبر کبیر انقلاب اسلامی پس از سال‌ها مطالعه و ژرف‌نگری در مشکلات بشری و با درک عمیقی که از تحولات جهانی و نیازهای حقیقی انسان جستجوگر این عصر داشت، جهان را «تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی»^۲ یافته بود.

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۸۷.

فریاد رسای امام برای کل جهان این بود:

ای مستضعفان جهان! بپا خیزید و خود را از چنگال ستمگران جنایت‌کار نجات دهید. ای مسلمانان غیرتمند اقطار عالم! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهایی بخشید.^۱

این فریاد نه برای غرب آشنا بود و نه برای شرق؛ هیچ‌کدام، ظهور انقلابی خارج از این دو قطب را باور نمی‌کردند. انقلاب‌ها می‌بایست یا وابسته به کمونیسم باشند یا وابسته به لیبرالیسم؛ و آنچه در ایران با شعار محوری «نه شرقی، نه غربی» روی داده بود، پیشامدی بس نامنتظره و غریب می‌نمود!

آنچه قیام امام و حرکت ملت ایران را پیچیده‌تر می‌کرد این بود که تولد این انقلاب، با هیچ‌یک از انقلاب‌های شناخته‌شده قرن بیستم شباهتی نداشت. این انقلاب، خاستگاه دینی داشت؛ در حالی که همه انقلاب‌های قرن بیستم و پیش از آن، خاستگاهی مادی‌گرایانه داشتند. به علاوه، در بحث‌های تئوریک دین، در انقلاب‌های دینی به‌سر آمده بود و علی‌القاعده چنین انقلابی امکان ظهور نداشت! به هر حال، در میان بهت و ناباوری و با وجود همه مقاومت‌ها و تلاش‌های غرب و شرق، انقلابی اسلامی، در سال‌های پایانی قرن بیستم و در یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین نقاط جهان شکل گرفت. این پیروزی انقلاب اسلامی، پایان ماجرا نبود.

پیام این انقلاب، بیش از پیروزی بر رژیم دست‌نشانده آمریکا بود؛ در حالی که آمریکایی‌ها تنها به از دست دادن منافع خود در خاک ایران و منطقه می‌اندیشیدند و مقامات شوروی نیز تصویر روشنی از انقلاب نداشتند، فرانسه و ایتالیا خیلی زود بخشی از پیام انقلاب را دریافت کردند.

فرانسوا میتران، دبیر کل حزب سوسیالیست فرانسه، نخستین کسی بود که معنای انقلاب اسلامی را دریافت و بلوک غرب و شرق را متوجه خطری اساسی کرد. او درست دو روز پس از پیروزی انقلاب، در ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ هشدار داد:

انقلاب‌هایی از نوع انقلاب ایران در کشورهای همسایه نیز روی خواهد داد! شیعیان زیادی در عراق و در آسیای مرکزی در جمهوری‌های شوروی زندگی می‌کنند. انقلاب ایران رژیم‌های مرتجع منطقه را زیر و رو خواهد کرد.^۱

میتران اشتباه نکرده بود؛ او انقلاب اسلامی ایران را یک «رستاخیز مذهبی» و نه یک انقلاب سیاسی صرف می‌دید که امواج آن، پژواکی جهانی خواهد یافت. حوادث سال‌های بعد، صحت ارزیابی میتران را نشان داد؛ امواج جهانی انقلاب اسلامی به سرعت گسترش یافت و حضور خود را به عنوان واقعیتهای انکارناپذیر در عرصه جهانی به نمایش گذاشت. حزب کمونیست ایتالیا نیز دو روز پس از پیروزی انقلاب نوشت:

این انقلاب با هیچ‌یک از ضابطه‌های عادی نمی‌خواند و ما را به بررسی و مطالعه بسیار بیشتری دعوت می‌کند. پیشروی مثبت روابط بین‌المللی و حتی صلح آینده جهان، تا حدود زیادی بر گرو درک این واقعیت است.^۲

حقیقتی که برخی از کشورهای غرب و شرق بسیار دیر به آن پی بردند این بود که انقلاب اسلامی ایران موجب فروپاشی قطب‌بندی‌های جهانی و شکسته شدن هیمنه و شوکت ابرقدرت غرب و شرق بود؛ این انقلاب، نخستین ساله‌ای ظهور قدرتی بزرگ، با رویکردی معنوی در سراسر جهان بود. امام خمینی با شجاعت به دنبال انقلاب اعلام کرد اگر بخواهید، می‌توانید آن را «تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ اسلامی» بنامید.^۳

ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا، در برابر برخی که گمان می‌کردند این انقلاب وابسته به طیف مقابل، یعنی شوروی است، چنین نوشت:

انقلاب اسلامی ایران همان قدر که از سرمایه‌داری نفرت داشت، از کمونیسم نیز متنفر بود و هر دو را مانند دو روی سکه مادی‌گرایی می‌دید...^۴

۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۲۴.

۲. روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۱/۲۵.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۱.

۴. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، کودتای نوژه، ص ۳۸.

دکتر میشل جانسون در مقاله‌ای، خطر انقلاب اسلامی را برای غرب چنین شرح می‌دهد:

بنیادگرایی اسلامی در سراسر جهان اسلام رشد قابل توجهی کرده است. ... به موازات رشد اسلام، نفوذ و منافع غرب شدیداً تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. ... بنیادگرایی اسلامی نیرویی پویا، متنفذ و پرجنب و جوش است که قادر به مبارزه علیه منافع غرب در سراسر جهان اسلام است. جامعه مسلمین جهان، از آن حالت ضعف و ناتوانی خود خارج شده و به یک قدرت بدل گردیده است.^۱

گراهام فولر، تئوریسین آمریکایی نیز در این زمینه می‌گوید:

امام خمینی با انقلاب اسلامی، نه تنها جامعه داخلی ایران و نه تنها منطقه خاور میانه، بلکه کل جهان اسلام را متوجه خود ساخت.^۲

آنچه سیاستمداران و اندیشمندان غرب و شرق را به شدت خشمگین کرده بود، موجی از امید و شادی در ملت‌های مسلمان، بلکه آزادی‌خواهان جهان پدید آورد. کشیش یونانی، موستاکیس، امام را چنین شرح می‌دهد: «خدا بر روی زمین بود.»^۳ و محمد حسنین هیکل او را «هدیه‌ای آسمانی و ملکوتی برای خاکیشان» می‌داند.

لنسر، استاد فلسفه از اتریش می‌گوید: «خمینی، فصل جدیدی در یک شدن انسان به خدا را باز کرد.»^۴ دونگ وان، متفکر و نویسنده چینی می‌گوید:

امروز مسلمانان چین شیفته شخصیت امام می‌باشند و به اندیشه‌های او عشق می‌ورزند ... مسلمانان جهان رهایی خود از بسیاری موانع را در گرو اجرای تفکرات او می‌دانند.^۵

۱. همان، ص ۳۳.

۲. فولر، *قبله عالم: ژئوپولیتیک ایران*، ص ۱۱۱.

۳. حاجتی، *عصر امام خمینی*، ص ۳۲.

۴. همان.

۵. «یاد یار: امام خمینی در نگاه اندیشمندان جهان»، *فصلنامه ۱۵ خرداد*، سال دوم، شماره ۳، خرداد.

۹، ص ۱۳۸۴.

۶ همان.

آری، انقلاب اسلامی ایران نویدبخش بازگشت عظمت و اقتدار از دست رفته مسلمانان است. به گفته پرفسور کارستن کولیه:

انقلاب اسلامی و رهبر آن (امام) خمینی ... مسلمانان را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرار داد، او بدون تردید آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام است.^۱

شکی نیست که موج اسلام‌خواهی و اصول‌گرایی کشورهای مصر، الجزایر، ترکیه، عراق، فلسطین، لبنان، بحرین و سایر کشورهای اسلامی، همه و همه الهام گرفته از انقلاب معنوی ایران است؛ هر کون نشانه‌های این اسلام‌خواهی حتی در قلب اروپا و آمریکا نیز قابل مشاهده است؛ و این «هنر از نتایج سحر است» و با امید به فضل الهی، این موج همچنان تداوم خواهد یافت و زنگار مادیات را از سرتاسر جهان پاک خواهد کرد. به گفته امام خمینی:

بحمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران، دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است و هر روز تا رعدوبرق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فروریزند.^۲
اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند؛ اسلام موانع بزرگ داخل و خارج ... را یکی پس از دیگری برطرف، و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.^۳

آری، انقلاب اسلامی ایران آغاز حرکتی عظیم است که امید می‌رود در نهایت، به ظهور دولت کریمه منجی بشریت انجامد. و این وعده آن پیر فرزانه است که:

انقلاب ما محدود به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^۴

۱. هدی، «امام خمینی و احیای تفکر دینی از نگاه خاورشناسان»، ماهنامه اسلام و غرب، شماره ۳۰ و

۳۱، بهمن و اسفند ۷۸.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۰.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۳۹۵.

۴. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

آن روح الهی در بیان تصویری که از دورنمای انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد، می‌فرماید:

دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان، علیه مستکبران و زورمندان جهان شروع شده و همچنان در حال گسترش است، امیدبخش آتیه‌ای روشن است و وعده خداوند را نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید.^۱

روشن است که این وعده، چیزی جز وعده قطعی و اجتناب‌ناپذیر الهی نیست که:

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.^۲
و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فروداشت شده بودند منت نهیم و آنان را پیاپی واران [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

و این همان وعده ظهور یار است؛ همان که امام درباره‌اش فرمود:

گویا جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه
آمال محرومان.^۳

و رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای نیز صریحاً می‌فرماید:

ما به زمان ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - این محبوب حقیقی انسان‌ها نزدیک شده‌ایم.^۴

در اندیشه او چه می‌گذشت

این نوشته، مروری بسیار کوتاه بر اندیشه سیاسی کسی است که اندیشمندان و سیاست‌مداران بزرگ جهان، دوست یا دشمن، او را به بزرگی می‌شناسند و برای شناخت ژرفای اندیشه‌های او، تلاش گسترده‌ای به کار بسته‌اند؛ مردی که بسیاری در سراسر جهان با تمام وجود به او

۱. همان، ج ۱۸، ص ۱۱.

۲. قصص (۲۸): ۵.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۱.

۴. سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع بسیجیان، ۱۳۷۸/۹/۳.

عشق می‌ورزند و کسانی هم «کابوس خمینی» هرگز رهایشان نکرد و مرگ او و اندیشه‌هایش، مهم‌ترین آرزوی آنها بوده و هست.

در اندیشه این مرد سرسخت و خستگی‌ناپذیر چه می‌گذشت؟ او که با بیدار ساختن مسلمانان و آزادی‌خواهان وارفته و بی‌رمق جهان، خواب شیرین غرب و شرق را آشفته کرد، چه در سر داشت و حرکتی را که از نخستین سال‌های دهه چهل شمسی و حتی پیش از آن آغاز کرده بود، به کجا خواهد انجامید؟ ما اینک در کجای راهیم و از این پس چه راهی پیش‌روی ماست؟

حقیقت این است که از نظر دوستان و دشمنان این انقلاب، امام خمینی هنوز هم زنده است؛ قلب او همچنان در سینه مستضعفان و مظلومان عالم می‌تپد و عشق به او که عشق به همه خوبی‌هاست، همچنان دل‌ها را گرم و پر شور نگه‌داشته است.

او باید مطالعه شود؛ زیرا گرچه در زمان و مکان زیست، اما اندیشه‌هایش مرزهای زمان و مکان را درنوردید و تنها بخشی از آن، مهم‌زمان حیاتشان شد و «بدون مبالغه و اغراق باید گفت که هنوز ابعاد بسیاری از شخصیت آن روح ماکوتی و آن انسان بزرگ و والا برای ما شناخته شده نیست.»^۱ و ما اینک - پس از گذشت در دهه‌ها رحلتشان - همچنان شاهد گسترش و تعمیق نظریات ایشان هستیم.

حرکتی که امام آغاز کرد، آن‌هم با آن گستره جهانی، نیازمند اندیشه سیاسی منسجم و عمیقی است؛ همان چیزی که در این نوشته، در جستجوی آن هستیم. امام خمینی در سیاستی گام‌به‌گام، آنچه را در ذهن داشت به مرحله عمل درآورد:

گام نخست، یافتن درمانی اساسی برای درد بزرگ جهان اسلام بود. اگرچه تلخ است، اما باید پذیرفت که جهان اسلام قرن‌های متمادی در خوابی سنگین فرو رفته بود و در این دوران خفتگی و رکود، زبان‌های بسیار سنگین و کمرشکنی را متحمل شده بود.

امام خمینی درمان این درد جانکاه را اعتماد به نفس کشورها و ملت‌های مسلمان و پرهیز از وابستگی و سرسپاری به کشورهای استعمارگر و بیگانگان می‌دانست. اما تحقق این ایده در

آن سال‌ها و شرایط تأثیربرانگیزی که مسلمین و سران کشورها در آن قرار داشتند، بیشتر یک رؤیا می‌نمود. بنابراین امام خمینی برای آنکه به این ایده جاسه عمل بپوشاند، گام دوم و عملی خود را برداشت.

گام دوم امام خمینی، یافتن پایگاه اصلی حرکت سیاسی خود بود. امام خمینی به دلایل فراوانی، حوزه علمیه و دانشگاه را به‌عنوان دو پایگاه اصلی مبارزه برگزید.

گام سوم امام، انتخاب کانونی برای قیام جهانی بود. امام خمینی کانون این حرکت عظیم را ایران اسلامی در نظر گرفت؛ کشوری که از دیرباز مهد علم و اندیشه بود؛ مردمی فهیم و قابل اعتماد داشت و به مدد فرهنگ غنی شیعه - که از دو چشمه همیشه‌جوشان قرآن و سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او سیراب می‌شد - می‌توانست رهبری این حرکت عظیم جهانی را بر عهده گیرد.

آخرین گام امام خمینی، غور و ملغم و همه آزادی‌خواهان جهان به شروع حرکت‌های اصلاحی و انقلابی، با الهام از انقلاب اسلامی ایران بود. با این نگاه، ساختار تحقیق به‌صورت زیر شکل گرفته است.

پیش از آشنایی با اندیشه‌های سیاسی امام خمینی، لازم است با زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری اندیشه ایشان آشنا شویم؛ از این‌رو در فصل نخست، به‌صورتی گذرا به زندگی‌نامه علمی - سیاسی ایشان خواهیم پرداخت. اعتراف می‌کنیم که زندگی‌نامه، اندکی به درازا کشید و این امر دو دلیل عمده داشت:

نخست آنکه دوران زندگی امام خمینی سرشار از وقایع و حوادث گوناگون بوده است و امام در تمام این پیشامدها یا آفریننده بود یا درس‌گیرنده؛

دوم آنکه اهمیت تصمیم‌گیری‌های امام، زمانی به‌درستی درک می‌شود که دست‌کم با برخی از مؤلفه‌های اثرگذار بر تصمیم‌گیری ایشان آشنا باشیم.

فصل دوم به بحث دین و سیاست می‌پردازد؛ پرسش محوری این فصل آن است که امام خمینی به‌عنوان اندیشمند دینی، چرا و چگونه پا به عرصه سیاست نهاد و بین این دو چه ارتباطی وجود دارد؟ امام خمینی به‌عنوان رهبر و ایدئولوگ انقلابی که در ایران شکل گرفت، در نخستین گام حرکت سیاسی خود، نارضایتی خود را ابتدا از دولت و سپس از سلطنت پهلوی اعلام کرد.

در فصل سوم به جامعه آرمانی امام و نظام بدیلی که ایشان به جای سلطنت معرفی می‌کنند می‌پردازیم و دلایل مشروعیت چنین نظامی را از نگاه امام بررسی می‌کنیم.

در فصل چهارم به این پرسش اساسی می‌پردازیم که حضرت امام اساساً چه مشکلی با دستگاه حاکم داشت؟ و چرا همچون بسیاری از مخالفان، به انجام پاره‌ای اصلاحات راضی نشد و تنها گزینه پیش‌رو را انقلاب دانست؟ اوضاع سیاسی کشورمان در آن زمان چگونه بود؟ و رهبری حضرت امام در دوران انقلاب دارای چه ویژگی‌هایی بود؟

در فصل پنجم به جغرافیای انقلاب می‌پردازیم؛ پرسش محوری فصل این است که آیا انقلاب ایران، محدود به این کشور است یا گستره‌ای بیش از آن دارد؟ اگر گستره انقلاب بیش از جغرافیای ایران است، حد و مرز آن تا کجاست؟ در هر صورت، گستره آن را چگونه و با چه ادله‌ای می‌توان تبیین کرد؟